

آداب عزاداری

مریم ملی | روزنامه نگار

بازار روضه و تکیه و ایستگاه‌های صلواتی این روزها داغ است و هر کسی با هر سن، وضع مالی و شرایط فرهنگی دوست دارد کاری کند که در نهایت ادب و ارادتش را به امام حسین (ع) نشان دهد. شما هم می‌توانید با کارهای به‌ظاهر کوچک در بهتر بر گزار شدن مراسم دوست و آشنا و فامیل نقش بزرگی داشته باشید. نقشی که قطعا به دلیل نیت‌تان، ارزشمند و مهم به حساب می‌آید. جفت کردن کفش‌های مهمان‌ها در روضه‌ها و هیئت‌های عزاداری، کمک به جمع کردن لیوان‌ها و ظرف‌های غذای خالی در ایستگاه‌های صلواتی نمونه‌هایی از این اثرگذاری‌های مهم است که به برقراری نظم در مراسم کمک می‌کند. پیشنهاد دیگر این است که اگر در یک ایستگاه صلواتی کمک می‌کنید بهتر است سینی نوشیدنی را کنار خیابان نگه دارید تا مردم خودشان به سمت‌تان بیایند و مسیر تردد خودروها بند نیاید. اگر قرار است در یک مراسم ظرف غذا و لیوان نوشیدنی را به مردم برسانید بهتر است در کمال ادب و احترام این کار را بکنید. مراقب باشید به دلیل شلوغی‌ها و تجمع مردم، عصبانی نشوید چون شما در هر صورت برای نیت خودتان آن جابجاست. اگر در بخش سیستم صوتی کمک می‌کنید سعی کنید حواس‌تان به کسانی باشد که صدای خیلی بلند آذیت‌شان می‌کند. افراد مسن گاهی با شنیدن صداهای ناگهانی و بلند آذیت می‌شوند. بعضی‌ها دچار بیماری‌هایی مثل میگرن و سردرد هستند که با صدای زیاد ممکن است بیماری‌شان عود کند، بهتر است صدای آیه‌ها را از انداز بلند نکنید تا همسایه‌ها و رهگذرها آزرده نشوند. از همه مهم‌تر هوای بچه‌های کوچک‌تر را داشته باشید، اگر آن‌ها در مجالس شیطنت می‌کنند به اقتضای سن‌شان است و قصد بی‌احترامی ندارند؛ بد نیست با هماهنگی متولیان مجالس، محل مجزایی برای بچه‌ها اختصاص دهید تا بزرگ‌ترها راحت عزاداری کنند و بچه‌ها هم حوصله‌شان سر نرود.

عجایب

زهر عقرب، گران‌ترین مایع جهان

اصولا به نظر می‌رسد زهر عقرب برای فراری دادن یا کشتن دشمنان به عقرب داده شده باشد اما امروزه این زهر کاربردهای پزشکی بسیاری پیدا کرده است. جالب این جاست که همه عقرب‌ها سم ندارند و تنها ۲۵ گونه آن‌ها شناسایی شده‌اند که سم‌شان برای انسان‌ها کشنده به حساب می‌آید. جالب‌تر این که همین سم مرگبار، می‌تواند مفید هم باشد. از پروتئین موجود در سم عقرب، برای درمان ورم مفاصل استفاده می‌شود همچنین برای مداوای فلج چندگانه و عارضه‌های روده‌ای. این ماده هم‌زمان مہلک و به‌دردیخور، هر لیترش بیش از ۱۰ میلیون دلار قیمت دارد و گران‌ترین مایع جهان به‌شمار می‌رود.



مسافر فضایی، بزرگ‌ترین آهن‌روی زمین

بزرگ‌ترین قطعه آهن‌روی زمین در واقع، فضایی است؛ یک کشور ز آفریقای در دهه ۹۰، خیلی اتفاقی آن را پیدا می‌کند. بعدها پژوهشگران می‌فهمند این غول آهنی که ۶۰ تن وزن دارد، شهاب‌سنگی است به اسم «هوبا» که احتمالا حدود ۸۰ هزار سال پیش روی زمین افتاده است. محققان معتقدند هوبا با زاویه و سرعت بسیار کمی با زمین برخورد کرده به همین دلیل دست نخورده باقی مانده است. وزن واقعی‌اش ۶۶ تن بوده که با گذشت زمان سبک‌تر شده است. این شهاب‌سنگ عجیب از سال ۱۹۹۵ به‌عنوان یک یادبود ملی شناخته می‌شود و هر سال، افراد زیادی از این مسافر فضا، دیدن می‌کنند.



منابع: thevintagenews، sciencealer

بالتازار

چرا ابروها و مژه‌ها به اندازه موهای مان رشد نمی‌کنند؟

مریم ملی | روزنامه نگار

وقتی موهای‌تان را کوتاه می‌کنید با گذشت یک ماه به خوبی می‌فهمید که دوباره در حال بلند شدن است. رشد موی سر را می‌توانید خیلی واضح احساس کنید اما رشد ابرو و مژه هیچ‌وقت به آن اندازه محسوس نیست. اصلا چه چیزی باعث می‌شود که ابروها و مژه‌ها خودشان بفهمند که از یک حدی نباید بلندتر بشوند؟ مثلا اگر رشد مژه هم مثل رشد مو بود باید هر چند وقت یک بار سر مژه‌های‌مان را می‌چیدیم تا جلوی دیدمان را نگیرد؟ خب بگذارید اول ببینیم داستان مژه‌ها چیست؟

فولیкул‌ها اندام کوچکی درون پوست بدن هستند که وظیفه تولید موها را به عهده دارند. همه این فولیکول‌ها در یک چرخه سه مرحله‌ای کار می‌کنند؛ مرحله اول دوره رشد موهاست، مرحله دوم زمان کند شدن رشد مو و مرحله سوم دوره استراحت فولیکول‌های محترم و در نتیجه توقف رشد مو به حساب می‌آید. دوره رشد موهای بدن و مژه و ابروها خیلی کوتاه است برای همین است که این موها کم‌رشد می‌کنند و بعد هم که عمرشان

بدانیم

گالری



در هندوستان ۱۵ میلیون ناشنوا زندگی می‌کنند. یک هنرمند به اسم Harshit Vishwakarm، برای این که ارتباط برقرار کند با این جمعیت زیاد راحت کند، علایم زبان اشاره را به صورت تصویری روی صندلی‌های یک تاکسی نقاشی کرده است.

پیرس تا بگم

چرا خودم را باور ندارم؟

«دختری ۱۲ ساله هستم. هیچ‌وقت خودم و خانواده‌ام را باور نداشتم. مثلاً با این که درس‌هایم خوب است فکر می‌کنم بدترینم. حرف‌های دوست‌هایم را زود باور و تعریف‌های آن‌ها را قبول می‌کنم.»



شادی شایان | کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

از حس بد و باور نداشتن خود و خانواده شروع کردی. ابتدا بهتر است بگویم گاهی برای همه افراد پیش می‌آید که حس خوبی به خود و خانواده‌شان نداشته باشند که خب دلایل مختلفی می‌تواند داشته‌باشد. از جمله این که ما عملکرد خود و خانواده‌مان را با بقیه مقایسه می‌کنیم، برای همین در صدی از ناگامی در این قیاس وجود خواهد داشت.

گاهی هم تصویری از یک خانواده و هویت مطلوب در ذهن‌مان داریم که لزوماً ممکن است با واقعیت منطبق نباشد پس حال‌مان با این افراد خوب نیست. برای فهمیدن باور نداشتن خود و پذیرش حرف دوستان می‌توان طور دیگری هم به ماجرا نگاه کرد؛ در دوره‌ای که شما هستید و اسمش را می‌گذاریم دوره نوجوانی، اهمیت و تأثیر دوستان بیشتر می‌شود. برای همین است که حرف‌های آن‌ها را زودتر باور می‌کنیم و از تعریف‌های آن‌ها خوشحال‌تر می‌شویم. وای به روزی که نظر منفی نسبت به ما داشته باشند و اگر در چنین شرایطی اعتماد به نفس‌مان هم کم باشد، زمین و زمان را به هم می‌گوییم تا همانی بشویم که دوستان‌مان قبول دارند ولی گاهی یادمان می‌رود که از خودمان بپرسیم این نظرات دوستان‌مان از کجای می‌آید؟ اصلا چقدر با واقعیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم هماهنگی دارد؟

رضایت درونی دقیقاً کجاست؟

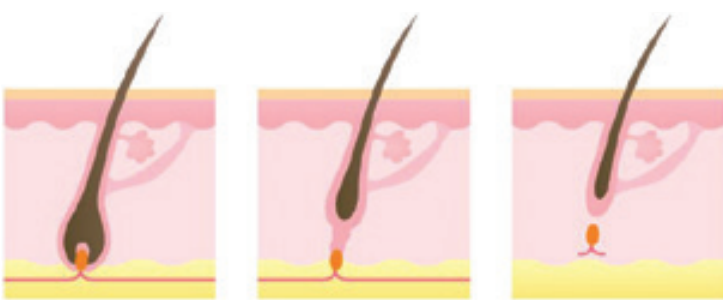
برای پیروز شدن در این جنگ درونی بهتر است به این موضوع فکر کنیم که ما چه تعریفی از خودمان داریم. جواب این سوال که چرا خودم را قبول ندارم، برای هر کسی متفاوت است؛ گاهی ما جرئت ابراز وجود نداریم یعنی تا خواستیم چیزی بگوییم یا اطرافیان‌مان ما را ساکت کرده‌اند یا خودمان، خودمان را! گاهی تعریف‌های اعضای خانواده از خودمان را الکی می‌دانیم و فکر می‌کنیم برای دلخوشی‌مان از ما تعریف می‌کنند. گاهی انتظارات بیش از حدی از خودمان داریم برای همین دستاوردها و موفقیت‌های‌مان را ارزشمند نمی‌دانیم در حالی که غافل از این موضوع هستیم که همیشه کارهایی فراتر از هر کاری که ما قادر به انجام آن هستیم وجود دارد؛ پس هیچ‌گاه قرار نیست انتظارات بیش از حد ما از خودمان برآورده شوند و حس رضایت درونی از این بابت داشته باشیم. از رضایت درونی گفتم اشاره به این موضوع هم خالی از لطف نیست که بدانیم برای این که خودمان حس رضایت درونی از خودمان داشته باشیم لازم نیست صرفاً به تعریف و تمجیدهای دوستان‌مان اتکا کنیم چون ممکن است آن‌ها صرفاً حرفی زده و رفته باشند در حالی که ما می‌مانیم و حس درونی‌مان. پس به نظر‌تان بهتر نیست در راستای کسب رضایت درونی و باور به خود قدم برداریم؟ این هدف هم از راه‌های مختلف قابل دست‌یابی است که از جمله آن می‌توان به فهم و درک حالات درونی و تفکرات فردی و همچنین ارتقای عزت‌نفس‌مان اشاره کرد. یعنی نقاط قوت و ضعف‌مان را شناسایی کنیم و در صدد پذیرش یا رد نقاط ضعف برآییم. همچنین وقتی شناخت خود و دانستن این که چه چیزها و موقعیت‌هایی ما را ناراحت و خوشحال می‌کند، به خود آگاهی و ارتقای عزت‌نفس‌مان کمک می‌کند.

شما هم می‌توانید سوالات‌تان را به شماره‌های بالای صفحه بفرستید تا به کمک کارشناسان صفحه، پاسخ بدهیم.



چیده می‌شود و به شش روش مختلف قابل بازی کردن است. آن‌هایی که سرشان درد می‌کند برای رقابت و به‌رخ کشیدن تمرکزشان، چینتانو را از دست ندهند. کل بازی در نهایت ۱۰ دقیقه زمان می‌برد اما در همین مدت کوتاه، هم کلی کیف می‌کنید و هم تاکتیکی فکر کردن را تمرین می‌کنید. قیمت این بازی ۱۱۲ هزار تومان است.

تمام شد، می‌افتند و موی دیگری جای آن‌ها را می‌گیرند. عمر متوسط هر کدام از مژه‌های شما بین سه تا پنج ماه است، به همین دلیل هیچ‌وقت فرصت این را ندارند که به اندازه موهای سر بلند بشوند. در عوض موهای سر طولانی‌ترین دوره رشد را دارند، آن‌ها چیزی در حدود چهار تا هشت سال در حال بلند شدن هستند و مرحله استراحت‌شان فقط دو تا چهار ماه طول می‌کشد.



هنر در خدمت آیین

که به دست‌مان رسیده، می‌دانیم باید قدمت زیادی داشته‌باشد. همین‌طور می‌دانیم در دوران صفویه، اواخر زنده و قاجاریه، خیلی جدی و محبوب بوده است. کسی که مراسم عزیه را برپا می‌کند «بانی»، گرداننده آن را «تعزیه‌گردان» یا «ناظم‌اللبکا» و بازیگران را «تعزیه‌خوان» یا «شبیبه‌خوان» می‌نامند. شبیه‌خوان‌ها معمولاً دو دسته‌اند: آن‌هایی که نقش یاری دهندگان دین را بازی می‌کنند، اولیاخوان نامیده می‌شوند کسانی که نقش دین‌ستیزان را بازی می‌کنند، اشقیاخوان. اولیاخوان‌ها نقش‌های شان را اموزن (آهنگین) می‌خوانند اما اشقیاخوان‌ها سخنان خود را ناموزن و معمولی بیان می‌کنند. اولیاخوان‌ها لباس سبزی یا سیاه می‌پوشند و اشقیاخوان‌ها لباس سرخ. در این نمایش محدودیتی برای استفاده از لوازم و اسباب در میان نبوده است. مثلاً در زمان ناصرالدین‌شاه رسم بوده شیر را با قفس از باغ وحش می‌آوردند تا وقتی در تعزیه از شیر اسم برده می‌شود، پیش چشم تماشاچیان باشد.

منبع: وب‌سایت هنر اسلام

قدیم‌ترها، سوگواری در ایام محرم کمی با امروز متفاوت بوده است؛ ما حالا دسته‌های عزاداری و خیمه‌های نذری و پرچم‌های سیاه را داریم. قبلاً مردم در چنین روزهایی، بیشتر از شاخه‌های مختلف هنر کمک می‌گرفتند؛ مثلاً نمایش تعزیه (شبیه‌خوانی) و «برده‌خوانی». برده‌خوانی را بیشتر با قصه‌های شاهنامه می‌شناسیم. البته دوران رواج نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای به سن‌وسال ما قد نمی‌دهد ولی از بزرگ‌ترها شنیده‌ایم که نقال‌ها برای‌شان قصه‌رستم و سهراب را از روی پرده می‌خوانده‌اند. بد نیست بدانید نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای، خیلی قدیم‌ترها غیر از نوع اساطیری، موضوعات مذهبی را هم شامل می‌شده که حماسه‌کرپلا از پرطرفدارترین این نقاشی‌ها و پرده‌خوانی‌ها بوده است. تعزیه هم که هنوز در بعضی نقاط کشور مان برگزار می‌شود، نمایشی آیینی است با پیشینه طولانی.

هر چند تاریخ‌دان‌ها درباره سابقه‌اش با هم اختلاف نظر دارند ولی از عکس‌ها و مطالبی

